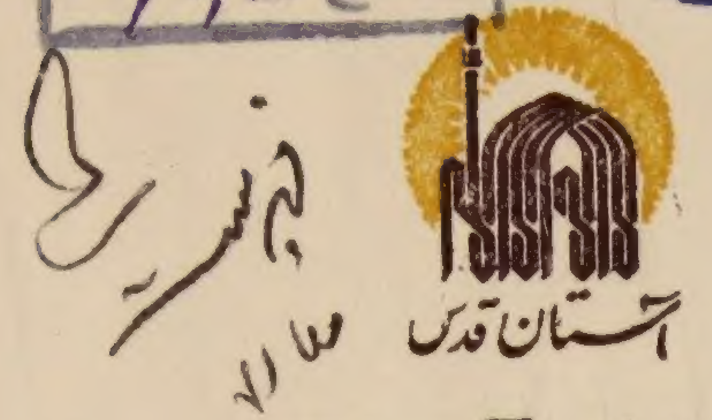


کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب ~~تحفهٔ شاهی و ضمیمه اوراقی از اصول دین~~

مصنف عمادالدین استرابادی

مؤلف

خطی خط نسخ ۲۱ سطری و ۱۸ سطری

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۰۳۷ عدد اوراق ۱۴/۷

جزء کتب تجرید و عقاید شماره خصوصی

شماره عمومی ۱۵۵۰۰ شماره قبض

واقف ضمن کتب بازیافته در ترکتانها تاریخ وقف

طول ۱۸/۵ عرض ۱۲/۵ شماره صفحات

نون ساکن و تنوین را حکمش بدان ای هوشیار
کن روی [illegible] از نبت [illegible] اندر کلام کردگار
در حرف حلقی اظهار کن قلب میم اندر حرف با
در یرملون ادغام کن در مابقی اخفا بیار

و بدانکه ادغام خاصه میم و نون نیست در حالت اخفا یا ادغام و لذا در نون هنگام متحول [illegible]
از مخرج اصلی خود بسوی از خیشوم پس چهار حرف از حروف ابجدی [illegible] باعتبار مخرج [illegible]
و باعتبار دیگر مخرج دیگر واو و یاء در حالتی که حرف مد باشند مخرج جوف دارند و در حالتی که متحرک باشند
مخرج میم و نون در حالتی که غنه با ایشان باشد مخرج خیشوم دارند چنانچه مصنف تصریح نموده

هو الواقف
موقوف [illegible] صحیح
[illegible]
[illegible]

[illegible] ۱۱۶۴

تجوید مولانا و به تحقیق عماد الدین

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

ای کنه تو برتر از شناسائی ما ﴿ وصف تو برون ز حد گویائی ما ﴾ حمد تو چنانست
که خود میگوئی ﴿ بی واسطهٔ عبارت آرائی ما ﴾ حمد که قاریان وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ
بِحَمْدِهِ بجهر و اخفات در حالت گذرت سعد خا بتلاوت آن تفاخر و استعلا نمایند
و ثنای که ذاکران آیه کریمه یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم بذکر آن سرافراز
و ممتاز باشند مرکزی را سزد و شاید که از برای اظهار دعوت و اقامت حجت پیغمبران
و رسولان که در دریای بلاغت و دراری سپهر فصاحت و عقده گشایان راه دین و راه
روان عالم یقین اند بخلق فرستاد لِئَلَّا یَکُونَ لِلنَّاسِ عَلَی اللهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ و کتب
مصدق ایشان و مبین مشکلات انسانست نیز ارزانی داشت و از میان
جمیع انبیا و رسل خورشید سپهر رسالت و ماه فلک جلالت و مشتری چرخ سعادت و
قطب گردون سیادت و پیشوای انبیا محمد مصطفی را برگزید و او را بمزید لطف و غایت
و شرف قرب خود مخصوص کرد انید و آل و اولاد او را که انجم آسمان شرایع و لآلی صدف
حقایق و جواهر کان مفاخر و یواقیت مکان فضایل اند بشرف خلافت و علو منزلت خود مشرف
کرد و از میان کتب منزله قرآن عظیم و فرقان کریم را بجهت آنکه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل
من بین یدیه و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید معزز و مکرم ساخت و از اولادش عدد صلوات
الله علیهم خداوند عالم و پادشاه بنی آدم فرمان ده روی زمین سلطان السلاطین قامع الکفرة
و المشرکین قاهر الفجرة و المتمردین کهف الثقلین ظل الله فی الخافقین ناصر اولیاء الله قاهر
اعداء الله المؤید من السماء و المنصور علی الاعداء السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان سلطان شاه طهماسب صفیه الحسینی بهادر خان خلد
الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و احسانه را بکنیدی رای نخ عیسا و را فرست مکارم

اخلاق

اخلاق و محاسن آفاق کردانید و همت بلندش را بر احیاء معالم شریعت و اعلای اعلام محبت
ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین مقصور و محصور داشت و در قلع و قمع اعدای دین و
دولت آیت فتح و ظفر را قرین رایت همایون او ساخت فجعله الله علی خلقه ثم حمدا لله
علی خلقه اما بعد چنین گوید اضعف عباد الله الهادی عماد الدین علی الشریف
القاری الاسترابادی که نزد ارباب بصیرت و اصحاب خبرت واضح و نبیه او ناس هم ا
است که بعد از معرفت اصول دین افضل فرایض نماز است و آن درست نمیشود مگر بخواندن
قرآن بوجهی که نازل شده و این میسر نمیشود الا بعد از شناختن حروف تهجی و مخارج و
صفات آن و قواعد تجویدی پس این رساله ایست در بیان مخارج حروف و قواعد
تجویدی و اختلافات قراء عشره در فاتحة الکتاب و اخلاص مسمی بتحفهٔ شاهی و
مرتب بمقدمه و دوازده باب و خاتمه مقدمه در بیان فضیلت قرآن و ثواب
تلاوت آن باب اول در مخارج حروف باب دوم در صفات حروف
باب سیوم در بعضی از احکام تجویدی باب چهارم در [illegible] کنایه باب
پنجم در [illegible] باب ششم [illegible] باب [illegible] در احکام تنوین و نون
ساکنه باب [illegible] باب [illegible] باب [illegible]
باب [illegible] باب دوازدهم در اختلافات
قراء عشره [illegible] اخلاص خاتمه [illegible] اما مقدمه در بیان فضیلت قرآن و ثواب
تلاوت آن بدان که ایدک الله [illegible] آن لحن ب
عربیست پس هرگاه که قرآن عرب [illegible] کمند [illegible] آن
قواعد [illegible] پس اگر رعایت نکنند [illegible]
خوانده باشند و حال آنکه قرآن بغیر لغت عرب نازل نشده پس او قرآن نخوانده
بلکه خراب کننده قرآن [illegible] آمده که

ومدّ جایز نیز خوانند و درین نوع ابو جعفر و ابن کثیر و سوسی را غیر از قصر نباشد
که عبارتست از مدّ طبیعی و تحقیق بسته و بعد از آن الف دو وجه باشد یکی مد
طریق تیسیر و عنوانست از برای دوری و اهل عراق که در تیسیر گفته مراد دوریست
و قصر از زوائد شاطبیه است **فصل** اگر در صور مذکوره بجای حروف مد حرف
لین باشد و آن واو و یاء ساکن است که مسبوق باشند بفتحه پس اگر بعد از ایشان
همزه باشد متصل با ایشان در یک کلمه مثل شیئ و کسوءِ در حالت وصل بغیر از قصر
نباشد از برای همه الّا ورش که طول و توسط کند و در حالت وقف طول و توسط
و قصر است از برای همه مگر ورش که او قصر نکند و اگر بعد از ایشان ساکن باشد یا
لازم خواهد بود یا عارض و بهر تقدیر باشد خواهد بود یا نه اما لازم غیر مشدد
حرف عین است در فاتحه مریم و شوری که حرف لین را جاری مجری حرف مد داشته اند
و مد طول کرده اند از برای همه قرّاء و مدّ توسط نیز کرده اند از برای همه بنابر آنکه
چه ساکن لازمست اما شرط حرف لین است نه حروف مد و قال بعضهم طول
مجاهد و علی بن محمد بن بشر انطاکی و ابی بکر اذفوی و اختیار صاحب تیسیر
ابو القاسم شاطبی و حافظ ابو عمرو و نیز در جامع البیان از بعضی مذکور حکایت
کرده و ثانی توسط مذهب ابو الطیب عبد المنعم غلبون است و پسرش ابو الحسن طاهر
بن غلبون که در باب مد و قصر شاطبی مذکور است و علی بن سلیمان انطاکی و ابو الطاهر
صاحب عنوان و ابو الفتح بن شیطا و ابو علی بغدادی صاحب روضه و وجه ثانیست
جامع البیان و حرز الامانی و تبصره و غیرها و از هر دو وجه مختارند نزد جمیع متصدیان
مغاربه از برای همه قرّاء و لازم مشدد دو حرفست در قراءت ابن کثیر هاتین و ارنا الذین
و همین دو وجه بطرق مذکوره از برای عمدة رکهتین باشد و اما ساکن عارض غیر مشدد مثل

والليل